



دستاوردهای متوازن سازی در سیاست خارجی دولت

متوازن سازی سیاست خارجی زمانی می تواند مؤثر باشد که در سطح کلان و جهانی سنجیده شود

۱۰



ملکه رمزارزها

تحت تعقیب پلیس

ایکانتاوا با ایجاد رمزارزی به نام وان کوین حداقل ۴میلیارد دلار از کشورهای مختلف کلاهبرداری کرده

۱۱



جبران ۱۲درصدی نیاز مسکن تهران

مدیرعامل سازمان توسازی، پیش بینی می کنیم ۱۲هزار واحد مسکونی تا پایان ۱۴۰۲ بهره برداری برسد

۱۲

همیشه در یک جامعه

دوشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۱ ۴ ذی الحجه ۱۴۴۳ • سال سیام • شماره ۸۵۳۶

گزارش زهار استگارمقدم

روزنامهنگار

آموزش مهارت‌های زندگی موضوعی است که نه تنها در آموزش و پرورش، بلکه بین دست‌اندرکاران امور اجتماعی، فرهنگی و بهداشت روانی بررسی می‌شود. طرح آموزش مهارت‌های زندگی نخستین بار در سال ۱۳۸۳ با تلاش وزارت آموزش و پرورش و... در مناطق مختلف اجرا شد، اما به‌دلیل مطابق نبودن با آموزش و روش‌های آموزش عمومی جامعه ایرانی مورد نقد قرار گرفت. آموزش مهارت‌های زندگی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه با عناوین مختلف و روش‌های گوناگون تدریس می‌شود. این آموزش‌ها برآمده از نیازهای اجتماعی دوران حاضر، توجه به روش‌های نوین آموزش مدرن و انتظارات آموزش و پرورش رسمی است. لازم است کودکان از آسپه‌ها تا آن‌ها وجود ندارد، آگاه و توانمند شوند. رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، معتقد است آموزش با تکیه بر روش‌های نوین آموزشی باید از میراث ادبی و فرهنگی خود استفاده کنیم و با موختن مهارت‌های زندگی در دوران ابتدایی از طریق بازی‌ها، قصه‌ها و دست‌ورزی‌ها در این مسیر گام برداریم. اما مهارت‌های زندگی شامل چه مواردی است، چه تأثیری بر رشد دانش‌آموزان داشته و چه گام‌هایی تا امروز در این باره برداشته شده است؟

نظام آموزشی درگیر محتوا

براساس دیدگاه متخصصان، آموزش مهارت‌های زندگی باید بتواند توانایی‌های شناختی و عاطفی کسه برای موفقیت و احساس شادکامی در زندگی روزمره لازم است و فرد را برای غلبه بر تنش آماده می‌کند، به ارمان بیاورد. مهارت‌های زندگی باعث خودشناسی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، انعطاف‌پذیری، روابط مؤثر اجتماعی، پرهیز از خشونت، همدلی و مسئولیت‌پذیری خواهد شد. آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان از طریق طرح مدرسه‌خوانا، آموزش خلاقیت، ارائه تکالیف مهارت‌محور و توانمندسازی دبیران دوره ابتدایی از برنامه‌های مهم آموزش ابتدایی وزارتخانه است.

احد نویدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه آموزش و پرورش می‌گوید دیگر در این باره تردیدی وجود ندارد که نظام آموزشی ما نیازمند مهارت‌های زندگی به‌ویژه آموزش

عمومی است. او ادامه می‌دهد: «درواقع نظام آموزشی ما درگیر محتواس‌ت و همین امر خلأهای مهارتی و کاربردی ایجاد کرده است. به‌طور کلی محتوا از طریق معلم‌ها به دانش‌آموزان منتقل می‌شود و آن تربیت و آموزش مناسب در بین دانش‌آموزان رخ نمی‌دهد. از سویی مشکل مهم‌تر آنکه وزارت آموزش و پرورش از خروجی محتوای خود نیز آمار ی نداده؛ بنابراین نمی‌داند تا چه اندازه به اهداف خود نزدیک یا از آن دور شده است. آموزش دادن مهارت‌های زندگی و ندانن آن هم‌اکنون نیز ادعایی بیش نیست؛ چون هیچ خروجی مدونی برای آن در نظر گرفته نشده است.» نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

نویدی با اشاره به اینکه در اسناد بالادستی نیز به مهارت‌ها اشاره شده و از مهارت ارتباطی، حل مسئله، خودآگاهی، تفکر انتقادی و... سخن رفته است، ادامه می‌دهد: «اما هم برنامه‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شود و هم آمار و نتیجه‌ای از آن استخراج نشده است؛ بنابراین سهم نظام آموزشی در این نوع تربیت‌یافتگی مشخص نیست و می‌توان از آن شانه خالی کرده و آن را بر گردن خانواده‌ها بیندازد. اما شاید وقت آن رسیده که نظام آموزشی به چالش کشیده شود. خانواده با این مواجه است که فرزندش بسیاری از مهارت‌های زندگی را در مدرسه کسب نکرده و در نقش خود، والد، به‌دلیل عاطفه و رابطه با فرزند، امکان محدودی در آموزش سه‌ا دارد؛ درحالی‌که اگر فضای آموزشی با خانواده همراهی نکند، فرزندان ما تربیت نمی‌شوند.»

یادداشت **بهنام بهراد***

پیشگیری از خطر با مهارت‌آموزی

چرا آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان مسئله مهمی است؟

وزارت آموزش و پرورش سعی می‌کند به‌طور کلی ۲ دهسته مهارت را به کودکان آموزش داده و منتقل کند؛ مهارت‌های شناختی و مهارت‌های زندگی. مهارت‌های شناختی در قالب مهارت‌های پایه مثل ریاضی، علوم، خواندن و نوشتن، شیعی، زیست‌شناسی و مشتقات آن و... مهارت‌های دسته دوم با عناوین مختلف، اما با ماهیت یکسان مربوط به مهارت‌هایی است که از آن به‌عنوان مهارت‌های زندگی یاد می‌کنند.

در دهه ۹۰ میلادی سازمان ملل و سازمان جهانی بهداشت با عنوان مهارت‌های زندگی، این مسئله را بیان کردند. در همان سال‌ها مهارت‌های عاطفی-اجتماعی که اکنون تحت عنوان مهارت‌های روانی-اجتماعی شناخته می‌شود، مطرح شد. بحث اساسی و زیربنای این مهارت‌ها آن است که ضمن آموزش مهارت‌های شناختی به‌چه‌ها، باید این افراد از سلامت روان برخوردار بوده و مجهز به مهارت‌های عاطفی-اجتماعی شوند تا بتوانند در زندگی خانوادگی، شنلی و تحصیلی خود، موفق عمل کنند. زیرا دهسته دوم مهارت بسیار حیاتی هستند تا فرد بتواند در عرصه‌های مختلف زندگی موفق عمل کند. اگر دانش‌آموزان از مهارت‌های شناختی خوبی بهره‌مند باشند، فقدان مهارت‌های روانی-اجتماعی یا مهارت‌های زندگی باید در آنها رصد و مرتفع شود.

نظام‌های آموزشی در سراسر جهان این مهم را در برنامه درسی خود قرار داده‌اند؛ درحالی‌که متأسفانه در ایران چنین نیست. اگرچه در یکی، دو دهه اخیر در این باره تأکید شده است، اما آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس مثل آموزش کتاب‌ها و مهارت‌های شناختی دیگر است؛ درحالی‌که نباید چنین باشد. به‌عبارتی برای انتقال این دسته از مهارت‌ها نیازمند برنامه‌های مبتنی بر شواهد هستیم؛ این برنامه‌ها شامل برنامه‌هایی است که بتواند از نظر بهداشت و سلامت روانی و همینطور رشد روانی -اجتماعی بچه‌ها را ارتقا دهد. از این‌رو هر برنامه‌ای نمی‌تواند چنین قابلیتی داشته باشد. همانطور که در بخش‌های پزشکی، برای درمان انواع اختلالات و بیماری‌ها، مداخلات مبتنی بر شواهد وجود دارد، در بخش‌های سلامت روان، رشد عاطفی-اجتماعی و روانی-اجتماعی دانش‌آموزان نیز برنامه‌ها یا مداخلات مبتنی بر شواهد وجود دارد که اثربخشی خود را نشان داده‌اند و باید مورد استفاده قرار بگیرند.

اما آموزش و پرورش از این برنامه‌ها استفاده نمی‌کند و یکی از مشکلات در این سازمان آن است که کارها به‌صورت آزمون و خطا در حوزه‌های گوناگون انجام می‌شود؛ از جمله در باره سلامت روان و آسیب‌های اجتماعی.

نوع پیشگیری وجود دارد؛ پیشگیری اولیه، سطح ۲ و سطح ۳. پیشگیری اولیه برای عموم بچه‌ها مورد توجه قرار گرفته و از وظایف آموزش و پرورش این است که مهارت‌های عاطفی-اجتماعی و سلامت روانی همه دانش‌آموزان را ارتقا دهد. به‌عبارتی بخشی از آموزش‌های روزمره باید این باشد و مستلزم آن نیست که حتما دانش‌آموز یا در مرض خطر بوده یا مشکل خاصی داشته باشد. زیرا بخشی از رشد شخصیت روانی دانش‌آموز این است که در زمینه‌های سلامت روان و مهارت‌های مختلف زندگی، تا جایی آموزش ببیند که متوازن و در کنار سایر مهارت‌های شناختی این بخش از مهارت‌ها و توانمندی‌ها و شایستگی‌اش نیز رشد کند، اما متأسفانه در آموزش و پرورش در این زمینه کار عمیقی صورت نگرفته، اگرچه در پژوهشگاه، تحقیقاتی در این باره شده که حاضریم در اختیار وزارتخانه قرار دهیم؛ بنابراین ماسد عملکرد در این باره بسیار فقیر بوده و برنامه غنی و مدونی در آموزش و پرورش تدارک ندیده‌ایم.

باید اول این تصور را داشته باشیم که چرا این برنامه‌ها می‌توانند برای بچه‌ها مفید عمل کنند! در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که مواد مخدر، انواع آسیب‌های اجتماعی، افسردگی، اضطراب، اختلالات روانی بچه‌ها را تهدید می‌کند، اما این آموزش‌ها دانش‌آموزان می‌توانند در محیط‌های اجتماعی و خانوادگی مصون مانده و بهترین عملکرد را از خود نشان دهند؛ بنابراین چنین موضوع مهمی در تمام جوامع به شکل جدی دنبال می‌شود و دانش‌آموزان به‌عنوان سرمایه انسانی از این مومنیت‌ب با آموزش برخوردار خواهند شد.

آموزش، زیربنای توسعه‌ای است که در کشور اتفاق می‌افتد. بخشی از این آموزش، آموزش مهارت‌های زندگی، آموزش در زمینه‌های روانی -اجتماعی، آموزش در زمینه‌های عاطفی و اجتماعی است تا دانش‌آموزان مهارت‌های لازم عاطفی و برای سلامت روانی، ارتباط با دیگران، در زندگی فردی و شغلی‌شان حتی زندگی پس از ازدواج به‌دست بیاورند. مهارت‌هایی که در ستین پایین آموزش داده شده و به‌صورت مستمر و درازمدت تکرار می‌شود، بعدها در عرصه‌های مختلف زندگی خود را نشان داده و آنها می‌توانند در زمان‌های مختلفی از ایسن مهارت‌ها بهره‌مند شوند. این مسئله بسیار مهم متأسفانه با خلأ جدی همراه است و مورد بررسی دقیق قرار نمی‌گیرد و عملاً براساس تغییر مدیرت‌ها، افراد کارهایی را انجام می‌دهند و با وجود هنرینه‌های خیلی زیادی طرح‌ها است در این حوزه‌ها صرف شود، غالب انتظار داریم، به‌دست نمی‌دهند.

* استادیار روانشناسی سلامت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

خلاصه گزارش

طرح آموزش

مهارت‌های زندگی

نخستین بار در سال

۱۳۸۳ با تلاش وزارت

آموزش و پرورش و...

در مناطق مختلف

اجرا شد، اما به‌دلیل

مطابق نبودن با آموزش

وروش‌های فرهنگ

عمومی جامعه ایرانی

مورد نقد قرار گرفت.

آموزش مهارت‌های

زندگی در بسیاری از

کشورهای توسعه یافته

یا در حال توسعه

با عناوین مختلف و

روش‌های گوناگون

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود

تدریس می‌شود